

مهاجرپذیری

## پیری جمعیت در اروپا و آمریکا

کاهش مهاجرت و بحران‌های آینده آن

### شرایط بحرانی خاصی پیش روی اروپا و آمریکا است.

تعداد مخالفان مهاجرت، رو به افزایش است؛ از هلند گرفته تا ایالات متحده آمریکا، سیاستمداران در حال بستن مرزها و راه ندادن پناهندگان هستند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ماه آوریل توییت کرد: «کشور ما پُراست»؛ اما ترس‌ها و نگرانی‌های بی‌مورد در خصوص امنیت، ادغام و همگونی پایین و شغل‌های دزدیده شده توجهات را از بحران واقعی جمعیتی - که موجب نگرانی واقعی اروپا و آمریکای شمالی گردیده است - برمی‌گرداند. تعداد مهاجران، چندان زیاد نیست، بلکه بسیار کم است. در چند دهه آتی، شاهد پیری جمعیت در اروپا و آمریکای شمالی و کوچک‌تر شدن آن خواهیم بود زیرا مادران، فرزندان کمتری به دنیا می‌آورند. این روند به رشد و پویایی اقتصادی، آسیب وارد خواهد کرد و در ازای کارگران بازنشسته، کارگران بسیار کمی وجود خواهد داشت. ربات‌ها و هوش مصنوعی، کشورهای ثروتمند را از عواقب اقتصادی کاهش جمعیت نجات نخواهند داد. بدون

«چارلز کینی»<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مرکز توسعه جهانی<sup>۲</sup> و نویسنده کتاب‌های «بهبتر شدن: چرا توسعه جهانی در حال پیشرفت است»<sup>۳</sup> و «چطور می‌توانیم دنیا را بهتر کنیم»<sup>۴</sup>، مطلبی با عنوان «بحران واقعی مهاجرت»<sup>۵</sup> در «۱۱ نوامبر سال ۲۰۱۹ در «فاز»<sup>۶</sup>، منتشر کرد که هدفش، بررسی چرایی کاهش مهاجرت و بحران‌های آینده آن برای آمریکا و اروپا است. در واقع، نویسنده با نیم‌نگاهی به آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی پیری جمعیت در اروپا و آمریکا، به تلاش این کشورها برای جذب مهاجران با مهارت بالا (مزیت رقابتی، امنیت، اعطای یارانه فرزندان آوری و...) پرداخته است؛ چراکه این کنشگران به منظور جلوگیری از دشوار شدن اوضاع و سقوط، مجبور خواهند بود مهاجران بیشتری را جذب نمایند اما کاهش آمار مهاجرت، نشان می‌دهد که

معکوس نمودن خط‌مشی‌های کنونی در خصوص مهاجرت، شاهد ورود مهاجران از کشورهای دیگر نخواهیم بود. به منظور جلوگیری از سخت شدن اوضاع و سقوط، کشورهای ثروتمند، مجبور خواهند بود تا مهاجران را جذب نمایند، نه اینکه آن‌ها را دفع کنند.

### جایگزینی وجود ندارد

به‌طور متوسط امروزه در اروپا، هر زن، ۱/۶ فرزند دارد و در آمریکا، هر زن به‌طور متوسط، کمتر از ۱/۹ فرزند دارد که این رقم، کمتر از تعداد موردنیاز برای ثابت نگاه‌داشتن جمعیت است. پیش‌بینی می‌شود که ده کشور اروپایی و ژاپن تا سال ۲۰۵۰، شاهد کاهش جمعیت ۱۵ درصدی یا بیشتر باشند. در ۶۵ سال آینده، انتظار می‌رود که در کل، ۴۴/۵ میلیون نفر از جمعیت در سن کار اتحادیه اروپا کاسته شود. پیری جمعیت با کوچک شدن جمعیت نیز همراه است. در اروپا، یک چهارم جمعیت از قبل، بالای ۶۰ سال است؛ تا سال ۲۰۵۰ این نسبت به یک سوم نیز خواهد رسید. در سال ۲۰۸۰، اروپا ۳/۵۳

1. Charles Kenny  
2. Center for Global Development  
3. Getting Better: Why Global Development Is Succeeding  
4. How We Can Improve the World Even More  
5. The Real Immigration Crisis.  
6. Foreign Affairs.

میلیون بازنشسته بیشتری نسبت به امروز خواهد داشت. شرایط در آمریکا، اندکی بهتر است؛ حدود ۸۰ درصد از استان‌های آمریکا در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷، شاهد کاهش جمعیت در سن کار خود بوده‌اند.

جمعیت‌های در حال پیر شدن بر سیستم‌های به زیستی همگانی، فشار زیادی وارد خواهد کرد. برای مثال، در بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۵۰، اسپانیا مجبور خواهد شد که مخارج و هزینه‌های بهداشت و درمان، مراقبت از سالمند و حقوق و مزایای بازنشستگی را به میزان ده درصد رشد تولید ناخالص داخلی افزایش دهد. جمعیت‌های در حال پیر شدن، به پویایی اقتصادی نیز ضربه وارد می‌کنند. در سال ۱۹۶۰ در کشورهای جی هفت که بازنشستگان، کمتر از ده درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند، نرخ‌های سرانه سالانه رشد تولید ناخالص داخلی به طور متوسط، ۴ درصد بود. هنگامی که بازنشستگان بین ده تا ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند، نرخ رشد سرانه سالانه، دو درصد شد؛ و وقتی بیش از ۲۰ درصد از جمعیت، بالای ۶۵ سال بودند، سرانه تولید ناخالص داخلی به طور متوسط، ۰/۴ درصد رشد کرد. طبق تخمین اقتصاددانان در شرکت راند<sup>۲</sup>، در دهه جاری، جمعیت در حال پیر شدن، ۱/۲ درصد از رشد سالانه

تولید ناخالص داخلی آمریکا خواهد کاست و در دهه بعد، ۰/۶ درصد از آن را خواهد کاست.

دولت‌ها تلاش کرده‌اند که نرخ ولادت کشورشان را افزایش دهند تا روند کم شدن جمعیت را کند کنند، اما حتی مشوق‌های سخاوتمندانه نیز نتوانسته‌اند نرخ باروری را بالا ببرند. شواهد حاکی از آن است که اعطای یارانه فرزندآوری به والدین، فقط اندکی نرخ ولادت را افزایش داده است. اگرچه مراقبت از فرزند، به نوبه خود ایده خوبی است اما نوشدارو نیست. طبق یافته‌های پژوهشی توسط اقتصاددان الکساندر بیک<sup>۳</sup>، در ایتالیا، نروژ و اسپانیا، به نظر می‌رسد که خدمات مراقبت از فرزند تحت حمایت دولت، خانواده‌ها را به فرزندآوری بیشتر تشویق کرده‌اند؛ اما در آلمان، اگرچه دسترسی به خدمات مراقبت از فرزند، باعث شده که مادران به نیروی کار بپیوندند و کسانی هم که از قبل شاغل بودند، بتوانند ساعات بیشتری را در محل کار بمانند، اما تأثیر اندکی بر تعداد فرزندان متولد شده داشته است. آوردن کارگران خارجی، به سرعت نرخ افراد در سنین کار را نسبت به افراد بازنشسته، بیشتر می‌کند و مهاجران کمک به افزایش نرخ باروری هم می‌کنند؛ افراد متولد خارج، حدود ۱۳ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، اما ۲۳ درصد از فرزندان آمریکا را نیز به دنیا

می‌آورند (اگرچه با جذب و همگون شدن مهاجران، نرخ ولادت آن‌ها معمولاً کاهش می‌یابد تا مطابق با نرخ ولادت بومیان آمریکایی باشد). طبق پیش‌بینی‌های اداره آمار آمریکا، بدون مهاجرت و فرزندان، که مادران خارجی به دنیا می‌آورند، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۶۰، حدود شش میلیون نفر از جمعیت آمریکا، کم خواهد شد؛ اما با وجود مهاجران، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت آمریکا به ۹۸ میلیون برسد.

میزان بالاتر مهاجرت، دلیل مهم مزیت جمعیتی آمریکا بر اروپا است. مهاجران، همچنین به افراد جمعیت‌هایی که وارد آن می‌شوند نیز کمک می‌کنند. تحقیقات اقتصاددانانی نظیر گاتانو باسو و گیوانی پری<sup>۴</sup> نشان می‌دهد که در آمریکا، هنگامی که مهاجران وارد منطقه‌ای می‌شوند، دستمزدهای بومیان آن منطقه، به دلیل سطح سواد و تحصیلاتشان بالا می‌رود. یافته‌های آن‌ها مطابق با شواهد بسیاری است که حاکی از آن‌اند، حتی افزایش چشمگیر در تعداد جمعیت‌های مهاجر هم برای کارگران بومی خوب خواهد بود. در مطالعه‌ای که پری با اقتصاددان فرانسسکو اورتگا<sup>۵</sup> انجام داد، هیچ‌گونه شواهد و مدرکی دال بر این‌که مهاجرت مؤسسات را تضعیف نموده و نابرابری درآمدی را بدتر می‌کند، یافت نشد. این ادعاها نیز که مهاجران عرضه

4. Gaetano Basso and Giovanni Peri indicates  
5. Francesco Ortega

3. Alexander Bick

1 G-7.  
2. RAND Corporation

مسکن را از کنترل خارج خواهند کرد یا این که برنامه های اجتماعی دولت غیرقابل قبول خواهد شد زیرا جمعیت بومی در حال کاهش است و آمریکا مهاجران را برای ارائه آن خدمات به کار خواهد گرفت، چندان قابل قبول نیست.

مهاجران از قبل هم بخش مهم و حیاتی نیروی کار آمریکا را تشکیل می دادند و شغل هایی را برمی کردند که کارگران بومی نمی توانستند یا نمی خواستند، آن ها را انجام دهند. در میان کارگران کم مهارت، این پدیده بسیار شایع است. کشاورزان آمریکایی تعداد زیادی از مهاجران را در فصل برداشت محصول به کار می گیرند، هرچند که به لحاظ حقوقی آن ها ملزم هستند که شغل های فصلی را ابتدا به شهروندان آمریکایی

بدهند. برای مثال، در سال ۲۰۱۱ در شمال کالیفرنیا، کشاورزان ۶۵۰۰ شغل کشاورزی فصلی آگهی نمودند؛ ۲۶۸ شهروند آمریکایی درخواست دادند، اما در نخستین روز کار، فقط ۱۶۳ نفر از آن ها سر کار حاضر شدند و بقیه کارها به کارگران مکزیکی واگذار شد. کارگران مهاجر در حرفه های با مهارت بالا نیز مهم هستند. حدود ۳۸ درصد از دانشمندان و ۲۷ درصد از پزشکان در آمریکا، متولد خارج هستند و ۷۱ درصد از کارمندان فناوری در سیلیکون ولی<sup>۱</sup> خارجی هستند.

#### درخواست کمک

مهاجرت به بسیاری از کشورهای ثروتمند، کم شده است که این مسئله، جای نگرانی دارد. اگرچه

1. Silicon Valley

متوسط دستمزدها در آمریکا، بیش از سه برابر دستمزد در مکزیک است، اما در حال حاضر، مکزیکی های بیشتری دارند آمریکا را ترک می کنند، آن هم نسبت به مکزیکی هایی که وارد این کشور می شوند. آمریکا با سخت تر کردن عبور و مرور از مرزها و مجبور کردن مهاجران فاقد مدارک هویتی به اقامت طولانی مدت در آمریکا، موقتاً این جمعیت مهاجر غیرقانونی خود را تقویت کرده است؛ اما اقدامات تحمیلی بیشتر برای ریشه یابی علت کاهش جمعیت مهاجران فاقد مدارک شناسایی (غیرقانونی)، کافی نبوده و امروز، این جمعیت از ۱۲/۲ میلیون نفر در سال ۲۰۰۷، به ۱۰/۷ نفر کاهش یافته است.

حتی در مناطقی هم که مرزهایشان باز بوده، مهاجر کم است. در مقایسه با سایر مسیرهای اصلی مهاجرت، در اروپا، نابرابری درآمد (کارگران در مناطق فقیرنشین بلغارستان، ۲۰ برابر کمتر از کارگران برای مثال در لندن دستمزد می گیرند) زیاد است، هزینه های حمل و نقل نسبتاً پایین بوده، فاصله های جغرافیایی کم و تفاوت های زبانی، اندک است؛ اما با این حال، اکثر افراد در اروپا، به مناطقی با فرصت های بهتر نمی روند. در سال ۲۰۱۵، فقط ۴/۵ درصد از شهروندان اروپا در سایر کشورهای اروپایی بودند که این رقم، اندکی بالاتر از رقم ۳ درصد در سال ۱۹۶۰ می باشد. علی رغم



شرایط بد اقتصادی یونان، کمتر از چهار درصد از جمعیت آن، به جاهای دیگر اروپا مهاجرت کرده‌اند. کمتر از دو درصد از اسپانیایی‌ها در کشورهای اروپایی دیگر زندگی می‌کنند، هرچند که نرخ بالای بیکاری جوانان در اسپانیا، ۳۲ درصد است.

یک علت تعداد متزلزل مهاجران نیز این است که افراد ثروتمندتر شده‌اند. اقتصاددان میچل کلیمنز<sup>۱</sup> نشان داده است تا زمانی که سرانه تولید ناخالص داخلی یک کشور به حدود ۷/۵۰۰ دلار برسد (برابر با متوسط درآمد کشور آلبانی)، هرچقدر که ثروتمندتر شوند، افراد بیشتری به خارج از کشور می‌روند؛ با این حال، بعد از این نقطه، الگو معکوس می‌شود. امروز مشکل این است که اکثریت جمعیت جهانی (حدود ۵۷ درصد) در کشورهایی زندگی می‌کنند که متوسط درآمد آن‌ها، بالای ۷/۵۰۰ دلار است. چنانچه از الآن تا سال ۲۰۵۰، کشورهای در حال توسعه، به طور متوسط هرساله ۳ درصد رشد کنند، کشورهایی که زادگاه فقط ۹ درصد از جمعیت امروز جهان هستند تا آن موقع نیز همچنان درآمدهای زیر ۷۵۰۰ دلار خواهند داشت. پس از آن که هر کشوری از این نقطه اوج عبور کرد، رشد اقتصادی بیشتر، باعث خواهد شد که مهاجران کمتری داشته باشند.

روندهای جمعیت شناختی جهانی نیز دلیل دیگری هستند برای پیش‌بینی کاهش جریان مهاجرت؛ افراد جوان - به احتمال زیاد - خانه و خانواده خود را ترک خواهند کرد، بنابراین با پیر شدن جهان، افراد بیشتری در کشور خود خواهند ماند. اروپا مزیت نزدیک بودن به آفریقا را دارد، جایی که جمعیت هنوز جوان است، رشد سریع دارد و سرانه تولید ناخالص داخلی پایین است؛ اما در آن منطقه هم نرخ باروری در حال کاهش و درآمدها در حال افزایش است. حتی اگر اروپا نیز از خرج کردن میلیاردها یورو به منظور بیرون نگاه داشتن مهاجران جلوگیری می‌کرد، باز هم نیروی کار به زودی کاهش می‌یافت.

کمبود مهاجر احتمالاً - در شغل‌های با مهارت بالا، بیشتر احساس می‌شود. در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۱، تعداد مهاجرانی که به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۲</sup> وارد می‌شدند و دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، به میزان ۷۰ درصد افزایش یافت و به حدود ۳۵ میلیون نفر رسید؛ اما این رقم، همچون قطره‌ای در دریاست، زیرا بیش از یک سوم جمعیت در سن کار در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، دارای مدرک دانشگاهی هستند. در سال ۲۰۱۲، اروپا پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۲۰، یک میلیون کارگزار دست خواهد داد، در حالی که فقط در بخش بهداشت و درمان، به تنهایی، نیاز

2. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)



1. Michael Clemens

به حدود ۲۳۰۰۰۰ پزشک و ۵۹۰۰۰۰ پرستار دارد.

آمریکا در گذشته در جذب مهاجران دارای مهارت، خوب عمل کرده است. حدود ۵۷ درصد از مهاجرانی که اختراعی را ثبت کرده‌اند، به آمریکا رفته و همچنین، ۴۱ درصد از مهاجران دارای تحصیلات دانشگاهی به این کشور می‌روند؛ اما در این میان، رقابت شدید شده است. کانادا، چین، فرانسه، آلمان و انگلستان اخیراً- در تلاش برای جذب کارآفرینان، قوانین مهاجرت خود را اصلاح کرده‌اند. طبق تحقیقات اقتصاددان و یوک وازوا، نسبت استارت‌آپ‌های دارای فناوری بالا که توسط چینی‌ها و مهاجران هندی در سیلیکون ولی تأسیس شده‌اند، از ۵۲ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۴۴ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است که این امر تا حدودی به این دلیل است که کارآفرینان بالقوه در حال بازگشت به کشور خودشان هستند.

تعداد دانشجویان خارجی که پس از پایان تحصیلات خود در آمریکا می‌مانند، در طی ده سال گذشته رشد سریعی داشته است؛ اما این امر هم می‌تواند به سرعت تغییر کند. در سال‌های نخست قرن حاضر، کمتر از دو نفر از هر ده دانشجوی چینی که در خارج تحصیل می‌کردند، پس از فراغت از تحصیل، به کشور خود برمی‌گشتند. تا سال ۲۰۱۷، از

هر ده نفر دانشجوی چینی، هشت نفر به کشور خود برمی‌گشتند. در سال ۲۰۰۱، ۹۸ درصد از دانشجویان چینی که مدرک دکترای خود را از دانشگاه‌های آمریکا گرفته بودند و ویزای موقت داشتند، همچنان تا پنج سال بعد از فراغت از تحصیل هم در کشور آمریکا می‌ماندند؛ امروزه، تعداد دانشجویان بین‌المللی که در دانشگاه‌های آمریکا ثبت نام می‌کنند، از ۱۲۶/۵۱۶ به ۱۱۷/۹۶۰ دانشجوی در سال ۲۰۱۷ رسیده است.

### مزیت رقابتی

کشورهای غربی برای جلوگیری از فاجعه جمعیتی، چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ ژاپن که بیش از یک چهارم جمعیت آن از قبل، بالای ۶۵ سال است، یک راه روبه جلو نشان می‌دهد. اگرچه در قدیم این کشور از ورود مهاجران جلوگیری می‌کرد، اما سهم خارجی‌ها در جمعیت ژاپن از سال ۱۹۸۵ تاکنون، سه برابر شده و از ۰/۶ درصد به ۱/۸ درصد رسیده و دولت، طرح‌هایی را به منظور استخدام و به کارگماری مهاجران بیشتر، ارائه داده است. کشورهای غربی همچنین، می‌توانند به خاورمیانه نظر داشته باشند. اعضای شورای همکاری خلیج فارس (بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و ایالات متحده امارات) جمعیت‌هایی دارند که به طور متوسط، ۲۰ درصد از آن‌ها خارجی

هستند که نسبتی بالاتر از فرانسه و آمریکا (با ۱۳ درصد) است.

در برخی از کشورهای خلیج فارس، بیشتر ساکنان مهاجر هستند. شرکت‌ها و دولت‌ها در خلیج فارس، از آژانس‌های کاریابی ای استفاده می‌کنند که در جستجوی کارگران خارجی هستند، آن‌ها را به مشاغل وصل می‌کنند و هزینه سفرشان را نیز می‌پردازند. آمریکا و اروپا نباید به طور کامل از این سیستم پیروی کند. بسیاری از مهاجران در خلیج فارس با حقوق پایین و در شرایط بدتر از آنچه آژانس‌های کاریابی به آن‌ها وعده داده‌اند، کار می‌کنند و در آنجا، کارگران فقط برای شرکتی می‌توانند کار کنند که آن‌ها را حمایت مالی کرده است، در واقع، آن‌ها نمی‌توانند به جایی شکایت یا شغل خود را ترک کنند. اروپا و آمریکا باید محافظت‌های بیشتری به مهاجران ارائه دهند.

به علاوه، بیشتر مهاجران به خلیج فارس، برای مدت زمان طولانی در آنجا نمی‌مانند که این، بدین معناست که آن‌ها نسبت به کسانی که برای همیشه مهاجرت می‌کنند، مزایای کمتری برای کشورهای که به آن وارد می‌شوند، خواهند داشت. البته یک رویکرد وسیع و گسترده ارزش پیروی کردن را دارد. دولت‌های عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، باید با شرکت‌هایی که با کمبود نیروی کار مواجه هستند، همکاری نموده و برای آن‌ها کارگرانی



با مهارت‌های لازم پیدا کنند و هرگونه آموزش‌های بیشتری را که به منظور مطابقت با استانداردهای نظارتی و اعطای مجوز است، ارائه دهند و به جابجایی کمک کنند. از آنجایی که ارتباطات فرهنگی و شبکه‌های اجتماعی برای تشویق به مهاجرت، بسیار حائز اهمیت هستند، اروپا و آمریکا باید کمک کنند تا وقتی فرصت دست داد، آن‌ها را ایجاد نمایند. این فرصت‌ها زمانی پیش می‌آید که نزاع‌ها موقی از پناهندگان را به وجود می‌آورد و باعث می‌شود، هسته جدیدی از جمعیت مهاجر تشکیل گردد. با پذیرش پناهندگان، کشورها می‌توانند هم در مدت زمانی کوتاه خدمات انسان دوستانه ارزشمندی ارائه دهند و هم در درازمدت، تشویق به مهاجرت نمایند. ارائه ویزا به اعضای خانواده نیز می‌تواند به حفظ جریان مهاجرت کمک نماید.

دولت‌ها همچنین، باید تلاش کنند تا از کشورهای مختلف مهاجر بپذیرند؛ زیرا با انجام این کار، نه تنها تعداد مهاجران بالا می‌رود، بلکه تأثیر اقتصادی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. طبق مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۵ توسط اقتصاددانان در دانشگاه هاروارد و دانشگاه بار ایلان<sup>۱</sup> انجام شد دارا بودن موجودی متنوعی از مهاجران نسل اول، مزایای چشمگیری خواهد داشت؛ از قبیل ثبت اختراع‌های بیشتر و درآمدهای

بالا تر. اقتصاددانان می‌گویند دلیل این امر، طیف وسیعی از دیدگاه‌ها است که باعث می‌شود ساکنان مختلف به طور متفاوتی، مشکلات را تفسیر و حل کنند. در آمریکا، برنامه قرعه‌کشی (لاتاری) ویزا، به شهروندان کشورهایی که طی پنج سال گذشته، کمتر از ۵۰,۰۰۰ مهاجر به آمریکا فرستاده‌اند، این فرصت را می‌دهد تا در قرعه‌کشی تصادفی برای مجوز کار در صورت دارا بودن مدرک دیپلم یا دو سال آموزش در یک مهارت شغلی شرکت کنند. واشنگتن باید این برنامه را گسترش دهد. کشورهایی هم که از سیستم امتیازدهی استفاده می‌کنند تا مهاجران را کنترل نمایند، باید به مهاجران از کشورهای دارای مهاجران کمتر، امتیازاتی اعطا کند.

به منظور افزایش مهاجرت افراد دارای مهارت بالا، دولت‌ها باید به منظور اعطایی مجوز و مسائل نظارتی، مدرک دیپلم کشورهای خارجی را به رسمیت شناسند. آن‌ها همچنین، باید سعی کنند افرادی را که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و دارای مهارت‌های خاصی هستند، آموزش دهند. در راستای این هدف، فنلاند، آلمان، ایتالیا و نروژ، برنامه‌هایی را آغاز کرده‌اند تا کمبود پرستار در کشور خود را جبران نمایند. بیمارستان‌ها و وزارت‌های بهداشت با مؤسسات همتای خود در کشورهای مبدأ، همکاری کنند و به کارگران و کارمندان آموزش

دهند تا الزامات خاص آنان برآورده گردد. به پیروی از این ایده، کلیمنز «مشارکت جهانی در مهارت»<sup>۲</sup> پیشنهاد کرده است که در آن، کارفرمایان در کشورهایی که فاقد کارمند و کارگر با مهارت‌های لازم هستند، برای آموزش در کشورهای منبع (کارگر و کارمند)، پول می‌پردازند تا کارآموزان متعهد گردند که پس از آموزش، برای آن کارفرمایان، کار خواهند کرد. از آنجایی که ممکن است شرکت‌ها از یک چنین سیستمی سوءاستفاده کنند، کلیمنز، مکانیزم‌هایی نیز برای محافظت از حق کارگران و کارمندان پیشنهاد می‌دهد، از قبیل اعطای حق خرید قرارداد و کار کردن برای شرکت‌های دیگر.

### نقطه عطف بومی‌گرایی

منافع اقتصادی هر چیزی که باشد، بسیاری از سیاستمداران بر این باورند که تعداد بیشتر مهاجرت، به معنای یک کار غیرعملی سیاسی است؛ اما آن‌ها در مورد بازگشت به مهاجرت گزاره‌گویی کرده‌اند. میزان واقعی مهاجرت، بسیار کمتر از هراس افکنی به ظهور پوپولیسم جناح راست دامن زده است. در حقیقت، هرچقدر تعداد مهاجران یک منطقه بیشتر باشد، افراد آن منطقه، بیشتر طرفدار مهاجران هستند و شواهدی وجود دارد مبنی بر

آن‌که ورود مهاجران بیشتر، باعث می‌شود که مردم، رفتار دوستانه‌تری

با آن‌ها داشته باشند. در سال ۲۰۱۶، اقتصاددانان اندریاس استاین میپر<sup>۱</sup>، متوجه شد مکان‌هایی در آتریش که به طور تصادفی پناهندگانی به آنجا رفته بودند، سهم رأی کمتری برای حزب راست داشتند و خوش‌بینی بیشتری درباره الحاق و سازگاری پناهندگان داشتند تا مناطقی که تعداد پناهندگان نشان کمتری بود. علی‌رغم موفقیت پروپولیست‌های جناح راست در انتخابات، مهاجرت به‌ویژه در میان نسل جوان، محبوب‌تر شده است؛ نسل جوانی که مجبور است با هزینه‌های جمعیت در حال پیر شدن و رو به کاهش، سروکار داشته باشد. در نظرسنجی‌هایی که امسال مرکز تحقیقاتی پو<sup>۲</sup> انجام داده، از افراد سؤال شده است که «آیا مهاجران، کشور ما را مستحکم‌تر می‌کنند؟» یا «باری بر دوش کشورمان هستند؟»، ۲۹ درصد از پاسخ‌دهندگان در انگلستان و ۳۴ درصد از پاسخ‌دهندگان در آمریکا، گفته‌اند که آن‌ها باری بر دوش کشور هستند. آمار و ارقام برای گزینه اول یعنی مستحکم‌تر کردن دولت، به ترتیب ۶۲ و ۵۹ درصد بوده است. تجزیه و تحلیل نظرسنجی‌ها در ۲۵ کشور اروپایی، حاکی از آن است که افراد به‌مرور زمان -احتمالاً- نگرش مثبت‌تری نسبت به مهاجرت خواهند داشت. محققان دریافتند که افراد پیر، مخالف مهاجرت هستند، بنابراین،

با پا به سن گذاشتن جمعیت‌ها، نگرش‌های ضد مهاجرت نیز در آن‌ها افزایش می‌یابد؛ اما با ادامه یافتن این پیر شدن‌ها، یک تغییر، کم‌کم جا می‌افتد؛ جمعیت‌های در سن کار، در پاسخ به نیاز به کارگران، بیشتر از مهاجرت استقبال می‌کنند و نگرش کلی به سمت حمایت بیشتر از مهاجرت پیش می‌رود. مشکل اسکروز جمعیت (سخت‌شدگی)، به فراسوی غرب نیز می‌رود. سازمان ملل پیش‌بینی می‌کند که جمعیت جهانی افراد بالای ۶۵ سال، از ۶۶۵ میلیون در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۱/۹ میلیارد در سال ۲۰۹۰ خواهد رسید، یعنی از ۹ به ۱۸ درصد کل جمعیت افزایش خواهند یافت. این روند، ضربه سختی به چین خواهد زد؛ ۲۲ درصد از جمعیت چینی‌ها تا سال ۲۰۴۰، بالای ۶۵ سال خواهند داشت. چین هم در جذب مهاجر عقب‌مانده است و افراد خارجی مقیم این کشور، کمتر از نیم درصد جمعیت کل این کشور را تشکیل می‌دهند. در مقابل، غرب خوش‌شانس بوده است و جمعیت مهاجر بیشتری دارد؛ اما کم شدن جمعیت، فقط موجب خواهد شد که دولت‌ها مرز آن‌ها را تسلیم امیال و خواسته‌های اقلیت در حال پیر شدن بومی‌گرا گردند، سیاستمداران در اروپا و آمریکای شمالی، باید به‌طور جدی به فکری باشند که چگونه نشاط

اقتصادی غرب را حفظ نمایند و این، به معنای یافتن و جذب مهاجران بیشتر است. در عصر تروریسم بین‌الملل، افرادی که از مرزها عبور می‌کنند، مورد توجه خاص انجمن امنیت ملی قرار می‌گیرند؛ اما در آینده، دولت‌ها دلایل بیشتری دارند که بخواهند، از خشک‌سالی بترسند، نه از سیل.

منبع:

چارلز کینی، مقاله «بحران واقعی مهاجرت» را در ۱۱ نوامبر سال ۲۰۱۹ در «فارن افز» منتشر کرد. لینک انتشار:  
<https://www.foreignaffairs.com/real-immigration-crisis/11-11-2019/articles>